



جیسون دمارس
خدمت حقیقت حاضر
جون ۲۰۱۷

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است. عبرانیان ۸:۱۳

چند سال پیش، هر سه ماه یک بار نامه‌ای تعلیمی می‌نوشتیم، که به زبان فارسی و اردو ترجمه می‌شد. ما شهادت‌های بسیاری در مورد مقالاتی که نوشته شد، دریافت نمودیم. از آنجا که سؤالاتی در مورد بسیاری از موضوعات و مطالب وجود دارد و همچنین تمایل زیاد به یادگیری و رشد کردن وجود دارد، این مسولیت و انگیزه را حس نمودم که بار دیگر آن را آغاز نمایم. هدف و خواست ما ایستادن در تعلیم برادر برانهام و نشان دادن واضح آن تعلیم می‌باشد. این مسولیت و کاری است که من برای آن فراخوانده شده‌ام.

نسخه‌ی ماه جون، سه موضوع مهم را پوشش می‌دهد:

۱. به متن وفادار باشید
۲. مطلق عروس
۳. احساسات در مقابل منطق

به متن وفادار باشید

بر اساس چیزهایی که من از واعظین و معلمین پیغام دیده‌ام، می‌توان برخی اوقات به عدم وفاداری به متن کتاب مقدس اشاره کرد. می‌خواهم این را بسیار با دقت بنویسم، چون خادمین بسیاری و دارای عطایا هستند که کار بسیار عظیمی برای خدا انجام می‌دهند. این بخش مستقیماً در مورد متهم کردن داکترین‌های دروغین نیست، بلکه اتهامی در مورد بی‌توجهی به ماندن در کنار معنی دقیق متن کتاب مقدس است.

این وظیفه‌ی هر خادم است که به متن کتاب مقدس وفادار باشد و نشان دهد که معنای آن چیست، نه این که از آن برداشتی کنند تا مطابق با موضوعی باشد که خوشان می‌خواهند بگویند. یک قدرت ذاتی در کلام خدا وجود دارد و لازم است روح خدا در یک خادم عمل کند، تا او را با کلام خدا متحد سازد و در این اتحاد بین کلام موعظه شده و کلام نوشته شده تبدیل و قدرت‌های ماوراءالطبیعه قرار دارد.

"و سعی کن که خود را مقبول خدا سازی، عاملی که خجل نشود و کلام خدا را به خوبی انجام دهد.^{۱۶} و از یاوه‌گویی‌های حرام اعراض نما، زیرا که تا به فزونی بی‌دینی ترقی خواهد کرد." دوم تیموتائوس ۱۵:۲-۱۶

عبارت «به خوبی انجام دهد» از کلمه‌ی یونانی «orthotomeō» و به معنای «برش مستقیم دادن، (بطور تلویحی) و درست تشریح کردن (شرح دادن)» آمده است. همان‌گونه که ما کتاب مقدس را مطالعه می‌کنیم و در ادامه آن را برای مردم توضیح می‌دهیم، باید آن را با دقت شرح و ارائه دهیم. شرح دادن، به معنای توضیح دادن یک متن است. پولس، همه‌ی خادمین انجیل را فرامی‌خواند تا معنای کتاب مقدس را به درستی شرح دهند. «کلام راستی» ما را به کتاب مقدس هدایت می‌کند. این حقیقت که ما باید معنای کتاب مقدس را دقیق توضیح دهیم، باز هم توسط پولس تأکید می‌شود،

پولس نوشت که ما باید "از یاوه‌گویی‌های حرام اعراض نماییم." احراز کردن به معنای دوری جستن است، حرام به معنای کفر یا شر و یاوه‌گویی، به معنای بحث بی‌ثمر است. این امر بی‌ثمر و شر است، چون مطابق با کتاب مقدس نیست. نتیجه‌ی بحثی که مبتنی بر کتاب مقدس نیست، بی‌دینی است. اگر به خواندن دوم تیموتائوس ۲: ۱۴-۱۹ ادامه دهید، می‌بینید که بر روی اهمیت وفادار ماندن به معنای ساده‌ی کتاب مقدس تأکید دارد، نه تفسیرهای خیالی. برادر برانهام به ما می‌گوید:

"حال شما نباید کلام را اشتباه تفسیر کنید. شما می‌گویید: "خوب، من ایمان دارم که معنایش این است." کلام همان معنایی را دارد که می‌گوید و نیازی به مفسر ندارد. و شما نباید کلام را در جای اشتباهی قرار دهید و نباید کلام را از متن خود خارج کنید. و اگر هر کدام از این کارها را انجام دهیم، این مسئله کل کتاب مقدس را وارد یک سردرگمی خواهد کرد."^۱

برای اینکه منظورم را بیشتر قابل لمس کنم، می‌خواهم بعنوان مثال کاری را که واعظین با نیت خوب انجام می‌دهند، به شما نشان دهم.

"اما خداوند روح است و جایی که روح خداوند است، آنجا آزادی است." دوم
قرنتیان ۳: ۱۷

یک واعظ می‌آید، آیه‌اش را می‌خواند و سپس شروع می‌کند به موعظه کردن در مورد آزادی در پرستش در روح و اینکه برای آزادی پرستش در روح خداوند، باید هیجان زده شده و فریاد بزنیم. این آیه هیچ ارتباطی با فریاد، رقص در روح و یا حتی پرستش با احساسات ندارد. اما بارها از این آیه به این شکل استفاده می‌شود. این روش

^۱ ۸۲۲۴-۰۰-۶۵، مسیح در کلام خود آشکار شده است، برادر ویلیام ماریون برانهام

نگاه کردن به کتاب مقدس، تفسیر غلط می‌باشد. شما نمی‌توانید آیه‌ای را از کتاب مقدس بردارید و آن قسمت از متن را جدا کنید تا از آن برای گفتن آن چیزی که خودتان می‌خواهید، استفاده کنید. برای درک آیه، شما باید متن اطراف آن را نیز بخوانید. بنابراین، درک مناسب از این آیه چیست؟

تمام دوم قرن‌تین باب ۳ را بخوانید. این مقایسه‌ای بین خدمت شریعت و خدمت روح است. او به ما می‌گوید که اگر خدمت محکومیت موسی پر جلال بود، چقدر بیشتر خدمتی که به پارسایی می‌انجامد، آکنده از جلال است. موسی مجبور بود صورت خود را بخاطر پرتو جلال پپوشاند و امروز همان افرادی که شریعت را دریافت می‌کنند کور هستند، چون نقابی بر روی قلبشان قرار دارد و در ادامه نوشته شده است.

۱۶" لیکن هرگاه به سوی خداوند رجوع کنند، نقاب برداشته می‌شود. ۱۷ اما خداوند روح است و جایی که روح خداوند است، آنجا آزادی است. ۱۸ لیکن همه‌ی ما چون با چهره‌ی بی‌نقاب جلال خداوند را در آینه می‌نگریم، از جلال تا جلال به همان صورت متبدل می‌شویم، چنان‌که از خداوند که روح است. ۱۹ دوم قرن‌تین ۱۶:۳-۱۸

بنابراین زمانی که قلب سوی خداوند متمایل می‌شود، نقاب براشته می‌شود تا بتوانیم جلال خداوند را ببینیم و به همان صورت او متبدل شویم، چنان‌که به او می‌نگریم. آزادی‌ای که ما داریم، این است که می‌توانیم جلال خداوند را با چهره بی‌نقاب ببینیم. تا پیش از این جلال از ما پوشیده بود، اما اکنون در مقابل ما آشکار است.

مثال دیگری از این همین باب، حرف می‌گُشد لیکن روح زنده می‌کند. بسیاری از واعظین تفسیر می‌کنند که کتاب مقدس می‌گُشد، اما روح حیات می‌بخشد. مانند این است که بگویند کلام خدا می‌گُشد. این توضیح اشتباه است. مابقی کتاب مقدس به ما می‌گوید که کلام خدا، حیات است.

"^۱ در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود.^۲ همان در ابتدا نزد خدا بود.^۳ همه چیز به واسطه‌ی او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت.^۴ در او حیات بود و حیات نور انسان بود." انجیل یوحنا ۱:۱-۴

"آنچه از ابتدا بود و آنچه شنیده‌ایم و به چشم خود دیده، آنچه بر آن نگریستیم و دست‌های ما لمس کرد، درباره‌ی کلمه‌ی حیات." اول یوحنا ۱:۱

با دقت بیشتری به آیات ذکر شده دقت کنید.

"^۵ که او ما را هم کفایت داد تا عهد جدید را خادم شویم، نه حرف را، بلکه روح را، زیرا که حرف می‌گشود، لیکن روح زنده می‌کند.^۶ اما اگر خدمت موت که در حرف بود و بر سنگ‌ها تراشیده شده با جلال می‌بود، به‌حدّی که بنی‌اسرائیل نمی‌توانستند صورت موسی را نظاره کنند، به سبب جلال چهره‌ی او که فانی بود،^۸ چگونه خدمت روح بیشتر با جلال نخواهد بود؟" دوم قرنتیان ۳:۶-۸

پس، زمینه‌ی صحیح متن در مورد مقایسه شریعت و انجیل است. حرف به طور کلی اصل کتاب مقدس نیست، بلکه شریعت و فرامینی است که در احکام آمده است. حتی خود شریعت نیست که می‌گشود، چون در واقع فرامین داده شده، تا حیات ببخشد.

"^{۱۱} و آن حکمی که برای حیات بود، همان مرا باعث موت گردید.^{۱۱} زیرا گناه از حکم فرصت یافته، مرا فریب داد و به آن مرا گشت." رومیان ۷:۱۰-۱۱

شریعت برای حیات بود، اما همان شریعت به دلیل ضعف جسمان تبدیل به موت شد، چون ما در خطاها و گناهانمان مرده‌ایم. از این لحاظ، ما شریعت را به دلیل گناهکار بودنمان، قصاص می‌نامیم. حرف به دلیل طبیعت گناه آلودش می‌گشود، اما

روح حیات می‌بخشد. انجیل، خدمت روح از طریق کلام خداست که منجر به تولد تازه می‌شود.

"از آنرو که تولد تازه یافتید، نه از تخم فانی بلکه از غیرفانی، یعنی به کلام خدا که زنده و تا ابدآباد باقی است." اول پطرس ۱:۲۳

از طریق موعظه‌ی انجیل است که نجات می‌یابیم. بنابراین، کلام خدا زیر قدرت روح آشکار می‌شود و شنیدن ایمان، حیات ابدی ثمر می‌دهد.

"^{۱۳} زیرا به شما ای امت‌ها سخن می‌گویم. پس از این روی که رسول امت‌ها می‌باشم، خدمت خود را تمجید می‌نمایم،^{۱۴} تا شاید ابنای جنس خود را به غیرت آورم و بعضی از ایشان را برهانم.^{۱۵} زیرا اگر رد شدن ایشان مصالحت عالم شد، باز یافتن ایشان چه خواهد شد؟ جز حیات از مردگان!^{۱۶} و چون نوبر مقدّس است، همچنان خمیره و هرگاه ریشه مقدّس است، همچنان شاخه‌ها.^{۱۷} و چون بعضی از شاخه‌ها بریده شدند و تو که زیتون برّی بودی در آنها پیوند گشتی و در ریشه و چربی زیتون شریک شدی." رومیان ۱۰:۱۳-۱۷

حرف نمی‌گُشد، به این معنی نیست که کتاب مقدس بدون روح القدس می‌گُشد؛ بلکه چیزی که می‌گُشد، طبیعت گناه آلود ما زیر تأثیرات فرامین شریعت است. اگر کتاب مقدس از طریق درستی که خدا مقرر کرده است، داده شود، معنایش حیات ابدی است. خدمت روح حیات می‌بخشد، اما خدمت محکومیت، مرگ را به همراه دارد، نه اینکه مشکلی در شریعت خدا وجود داشته باشد، بلکه به این دلیل که در من مشکلی وجود دارد. این طبیعت گناه آلود من است که می‌گُشد، نه کلام خدا. بیاید آیات بیشتری را که در مورد جلال شریعت صحبت می‌کند، بخوانیم.

"شریعت خداوند کامل است و جان را برمی گرداند؛ شهادت خداوند امین است و جاهل را حکیم می گرداند." مزامیر ۷:۱۹

این شریعت نیست که با آن مشکل دارد. "شریعت به سبب انسان نفسانی، ناتوان بود..." یعنی طبیعت گناه آلود ما نمی تواند شریعت را نگاه دارد، بنابراین مرگ را به ارمغان می آورد.

این بسیار مهم است که ما فقط از بخشی از صحبت های برادر برانهام برای تفاسیر پر ابهام استفاده نکنیم. ما باید معنای آن را با توجه به پس زمینهی موعظه ای او، زندگی او و حتی موضوعی که به آن اشاره دارد، بیان کنیم. برای انجام این کار، باید با آنچه او گفته به کتاب مقدس بازگردیم، تا آن را در پرتو مکاشفه ای کامل عیسی مسیح ببینیم. همین در مورد کتاب مقدس نیز صدق می کند؛ ما فوراً پس زمینهی متن آن را مرور می کنیم، نخست کل آن نامه یا کتاب را بررسی می کنیم و سپس کل مکاشفه ای را که در کتاب مقدس موجود است. ما تفسیر خود را بر اساس آنچه نوشته شده است، قرار نمی دهیم، بلکه آن را همان طور که نوشته شده است، تعلیم می دهیم.

مطلق عروس

زمانی که از مطلق صحبت می کنیم، این موضوع انواع متفاوتی از شور و احساسات را به همراه دارد. نگاه مستقیم به کلام خدا برای دیدن مناسب موضوع، امر مهمی است. شنیده ام که برخی گفته اند برادر برانهام مطلق است، یا برخی دیگر می گویند کتاب مقدس مطلق است، اما چرا به کل تصویر نگاه نمی کنیم. اگر بخواهیم اصلاحات

و کار خدا را از طریق مارتین لوتر نگاه کنیم، تعلیمی که او به کلیسا بازگرداند، این بود که کتاب مقدس بالاترین مقام کلیسا است، نه شورا یا پاپ. کلام خدا احیا شد و به مکان مناسب خود بازگشت. سپس به این دلیل، انجیلی که می گوید عادل با ایمان به کار انجام شده‌ی عیسی مسیح در جلجتا زندگی می کند، احیا شد.

حال بیایید واژه‌ی «مطلق» را تعریف کنیم. سه تعریف از آن وجود دارد. بعنوان صفت، به معنای «فاقد شرایط؛ در کل» و «مشاهده شد یا مستقل ماندن و در رابطه با چیزهای دیگر نبودن؛ نا مرتبط یا غیرنسبی» است. بعنوان اسم، به معنای «یک ارزش یا اصل است که عموماً معتبر است، یا می توان آن را نا مرتبط با چیزهای دیگر دید».

جمله‌ی «برادر برانهام مطلق ما است.» ما را به چند پرسش هدایت می کند. آیا برادر برانهام وجودی مستقل دارد و با دیگران در ارتباط نیست؟ وجود خدمت برادر برانهام، وابسته به کتاب مقدس و مکاشفات موجود در آن است. آیا برادر برانهام «به هیچ وجه واجد شرایط» نبود؟ بسیار خوب، برادر برانهام در چندین موقعیت به ما گفت که او در ابتدای خدمتش چیزهایی را متفاوت تعلیم داده و حتی گفت پس از اینکه هفت مهر گشوده شد، کتاب مقدس برای او تبدیل به کتاب جدیدی شد. آیا برادر برانهام «یک ارزش یا اصل است که عموماً معتبر» است؟ از یک طرف؛ خدمت برادر برانهام توسط خدا به اثبات رسید و عموماً معتبر است، اما این باعث نمی شود تعالیم او فراتر از کتاب مقدس باشد. برادر برانهام در صدها موقعیت، ما را مطلع ساخت که خدمت او مبتنی بر کتاب مقدس است.

توجه داشته باشید برادر برانهام به ما چه می گوید:

"او پاسخ خواهد داد: "خوب حالا، بگذار ببینیم. چرا اینجا کلام می گوید که باید به نام، پدر، پسر، روح القدس تعمید بگیریم." اگر آن کلیسا مطلق است، همان تعیین

کننده است. او اهمیت نمی‌دهد چیز دیگری چه می‌گوید. مطلق او همان است. خوب، هر فرقه‌ای برای ایماندارانش یک مطلق است. اما برای من، و امیدوارم برای کسانی که در حال رهبریشان به سوی مسیح و توسط مسیح هستم، مطلق ما کتاب مقدس است. مهم نیست که... زیرا خدا گفت: "هر کلام انسان دروغ و کلام من حقیقت باشد." و ایمان دارم که کتاب مقدس مطلق خداست. مهم نیست که دیگران چه می‌گویند. این مطلق است."^۲

کتاب مقدس مطلق ماست، صرف نظر از آنچه دیگران می‌گویند؛ ما همراه کلام خدا می‌مانیم. و با این حال، بیایید بینیم برادر برانهام در ادامه چه می‌گوید.

"چون شما دو مرد را دارید، پس دارای دو نظر هستید. این باید به یک مطلق نهایی برسد و مطلق من کلام خداست. بعنوان یک شبان در این کلیسا، مطلق من کلام خداست و می‌خواهم... برادران! من شما را می‌شناسم. تا زمانی که من از خدا پیروی می‌کنم، شما به نوعی به من بعنوان یک مطلق نگاه می‌کنید، همان‌طور که پولس در کتاب مقدس می‌گوید: "پس اقتدا به من نمایید، چنان‌که من نیز به مسیح می‌کنم."^۳

چارچوب متن این موعظه در مورد نظم کلیسایی و چگونگی رسیدگی به امور در خیمه‌ی برانهام بود. به طور کلی، به ما توصیه شده که از برادر برانهام پیروی کنیم، همان‌طور که او از مسیح پیروی کرد و آنها را به این دلیل که او به شکل مطلق نگاه می‌کردند، توبیخ نکرد. بیایید این موضوع را با دقت بیشتری بررسی کنیم. از یک طرف، او به ما می‌گوید که کتاب مقدس مطلق است و از طرف دیگر، به ما می‌گوید که ما به او بعنوان مطلق نگاه کنیم. حتی برادر برانهام مکاشفاتش را با کتاب مقدس

^۲ ۱۲۲۶-۶۵، مسیح در کلامش آشکار است، برادر ویلیام ماریون برانهام
^۳ ۱۲۲۶-۶۲، نظم کلیسایی، برادر ویلیام ماریون برانهام

بررسی می کرد. او گفت:

"زمانی که آن می آید، من خوشنود هستم که آن از سوی خدا می آید، سپس سراغ کتاب مقدس می روم. می بینید؟ این باید تأیید هر چیز روحانی باشد که انجام شده است، چون کتاب مقدس مکاشفه‌ی کامل عیسی مسیح است. می بینید؟ کلام بدن او است."^۴

کتاب مقدس مکاشفه‌ی کامل برادر برانهام نیست، بلکه مکاشفه‌ی کامل عیسی مسیح است. بنابراین، زمانی که از مطلق صحبت می کنیم، می توانیم بطور قطع بگوییم که عیسی مسیح، مطلق است. همانند هر نبی دیگری در تاریخ، برادر برانهام مطلق است و ما را به سمت مطلق یعنی عیسی مسیح سوق می دهد.

"اما هر دوره بخشی از انجیل را پیش بینی کرده است. کتاب مقدس مکاشفه‌ی کامل عیسی مسیح است. هیچ چیزی را نمی توان به آن اضافه کرد، یا چیزی از آن کاست؛ کسی که این کار را کند، ملعون است. ما نمی توانیم چیزی به آن اضافه کرده، یا چیزی از آن بکاهیم. ما باید به اینجا نگاه کنیم و ببینیم چه چیزی به ما وعده داده شده و سپس وقوع آن را ببینیم. این خداست که کلام خود را تفسیر می کند. زمانی که می گوید: "باکراهی حامله شده" او حامله شد. این تفسیر خدا از آن است. او آن چیزی را که وعده می دهد انجام می دهد."^۵

پیغام برادر برانهام گشودن کلام است، تا اسرار نهفته‌ی کتاب مقدس را آشکار سازد. کتاب مقدس مکاشفه‌ی کامل عیسی مسیح است، بنابراین مطلق ما است. اما در هر دوره‌ی کلیسا، خدا مردانی را فرستاد، تا حقیقت کتاب مقدس را برای آن دوره احیا

^۴ ۶۴-۰۸۰۲، خانه‌ی آینده‌ی داماد آسمانی و عروس زمینی، برادر ویلیام ماریون برانهام
^۵ ۶۴-۰۲۰۶E، راه مهیا شده‌ی خدا برای این روز، برادر ویلیام ماریون برانهام

کند. آنها فراتر از کتاب مقدس نبودند، بلکه آنها تسلیم بودند و کلیسای برگزیده را به کتاب مقدس بازگرداندند. درک این موضوع باید برای همه بسیار ساده باشد. ما از نیاز به یک نبی نمی‌کاهیم؛ در روح ایلیا، همان‌طور که کتاب مقدس می‌گوید. با این حال نمی‌توانیم این فکر را پذیرفته و کتاب مقدس را رها کنیم. نبی بارها در مورد ضرورت مبنا قرار دادن تمامی آموزه‌ها بر مبنای کتاب مقدس به ما گفت، پایه گذاردن قدم ایمانمان بر کتاب مقدس و زندگی کردن بر اساس کتاب مقدس.

احساسات در مقابل منطق

زمانی که به جنبه‌ی احساسی و منطقی کلام خدا نگاه می‌کنیم، این موضوع باعث می‌شود مردم یک جنبه را انتخاب کنند. هدف ما این است که از توازن خارج نشویم و به سمت جنبه‌ی متعصبانه یا جنبه مرگ نرویم.

از یک طرف، هر چیزی بدون احساس مرده است. از طرف دیگر، ما با احساسات پیش نمی‌رویم، بلکه توسط کلام خدا. به ما فرمان داده شده که استدلال کنیم، با این حال بسیاری از مردم به دلیل فقدان آگاهی، هلاک می‌شوند. همه‌ی اینها صحبت‌هایی است که توسط جناح‌های مختلف و به روش‌های مختلف بیان شده است. گرایش بر این است که یک کلیسای خاص یا گروهی از خادمین بیشتر بر شیوه‌ی پنطیکاستی پرستش متمرکز هستند و در نتیجه بر پرستش «احساسی» تأکید دارند و در طول موعظه فریاد زده، دست می‌زنند و غیره... سپس گرایش دیگری وجود دارد، به شیوه‌ی پرستش کلیسای باپتیست که تأکید دارد که ما با احساسات پیش نمی‌رویم، بلکه توسط کلام خدا؛ و تأکید شدیدی بر آموزه‌های سنگین کتاب مقدس وجود دارد و اینکه ما نباید

آمین را فریاد بزیم، مگر آنکه چیزی را که گفته می‌شود، درک کرده باشیم. بخش جالب در این مورد این است که هر دو طرف برای اثبات نکاتشان دارای آیات کتاب مقدسی و نقل قول‌هایی از پیغام هستند.

برای جلوگیری از افراط، به توازن مناسب نیاز است. در سوی افراطی پنطیکاستی، گرایش وجود دارد که پرستش پرشورشان را بعنوان تنها پرستش مناسب بشناسانند. که بعد تبدیل به این می‌شود: "اگر با احساسات پرستش نکنی، نرقصی و غیره، تو در روح آزاد نیستی." طرف باپتیست می‌گوید: "پرستش ربطی به احساسات ندارد، بلکه به مکاشفه‌ی مناسب کلام خدا مربوط است."

"بنابراین، اینجا مکان آرامی است. و من همیشه از هر چیز آرام می‌ترسیدم. مانند صدای مرگ بود. پس من طرفدار چیزهای مرده نیستم. بنابراین هر چیزی بدون احساس مرده است. تحقیقات علمی این امر را ثابت می‌کند، هر چیزی بدون احساس. و اگر تجربه‌ی شما در خود دارای کمی احساس نیست، بهتر است آن را دفن کرده و چیزی را بدست آورید که در خود احساس داشته باشد. درست است. این کاملاً درست است."^۶

در بسیاری از موارد، در عمل، دعا و پرستش واکنشی احساسی به قدرت کلام خدا یا یک نیاز عمیق است. احساسات اغلب به ما هشدار می‌دهند که چیزی اشتباه در روابط یا شرایط زندگی وجود دارد و همچنین بیان احساسات از درون ما می‌باشند. اگر ما همیشه احساساتمان را سرکوب کنیم، این امر می‌تواند به مشکلات مختلفی در سلامتی روان و جسم منجر شود. در عین حال، احساسات می‌توانند به ما دروغ بگویند. نوع احساس ما مطلقاً ما نیست، بلکه کلام خداست.

^۶ ۶۱۹-۰۶۲، تزلزل ناپذیر، برادر ویلیام ماریون برانهام

"[برای سالار مغنیان. سرود و مزمور] ای تمامی زمین، برای خدا بانگ شادمانی

بزنید!" مزامیر ۱:۶۶

کلمه‌ی «بانگ» از یک کلمه‌ی عبری است که صحبت از شکافتن هوا می‌کند، به عبارت دیگر با شادمانی فریاد برآوردن. هفت بار در کتاب مزامیر به ما تعلیم داده شده است که فریاد شادمانی برآوریم. این یک واکنش احساسی به عظمت خداست. زمانی که داوود پادشاه، تابوت عهد را به شهر داوود می‌آورد، رقص شادی کرد. در همین زمان، شما می‌توانید این احساسات را ابراز کنید و حتی یک رهبر پرستشی با نیت خوب می‌تواند با استفاده از مهارتی ظریف، همه را در کلیسا به یک قالب درآورد. برخی از افراد عاطفی و بیانگر هستند، عده‌ای نیز عاطفی هستند، اما آن را نشان نمی‌دهند. برخی از افراد می‌رقصند، برخی گریه می‌کنند، برخی دستشان را بلند کرده و گریه می‌کنند، برخی دیگر این کار را نمی‌کنند. نکته این است که ما باید مطیع کاری باشیم که روح سعادت در آن لحظه در ما انجام دهد، نه اینکه هم‌رنگ گروه فریاد زنان شویم.

"می‌دانید، از گوسفند خواسته نمی‌شود که پشم تولید کند. خیر. او نمی‌تواند آن

را تولید کند. این عطایا توسط احساسات تولید نمی‌شوند."^۷

بخاطر این چیزها برخی از کلیساها در بدو ورود تمام احساسات را از خود دور می‌کنند. این چنین نیز نباید باشد. اگر ما دارای کلیسایی تمام احساسی یا کلیسایی کاملاً غیر احساسی باشیم، آنگاه برخی مردم سعی خواهند کرد هم‌رنگ جماعت شوند و به جای روح خدا، از روح یکدیگر تاثیر می‌گیرند. بیایید آیات بسیاری را که در مورد پرستش قوم خدا سخن می‌گوید، بررسی کنیم.

^۷ ۱۱۲-۰۶۳، تأثیر، برادر ویلیام ماریون برانهام

"و چنین شد در مرتبه‌ی هفتم، چون کاهنان کَرَنّاها را نواختند که یوشع به قوم گفت: «صدا زنید، زیرا خداوند شهر را به شما داده است.»" یوشع ۱۶:۶

"و بر یکدیگر می‌سراییدند و خداوند را تسبیح و حمد می‌گفتند، که «او نیکوست زیرا که رحمت او بر اسرائیل تا ابدالابد است» و تمامی قوم به آواز بلند صدا زده، خداوند را به سبب بنیاد نهادن خانه خداوند، تسبیح می‌خواندند." عزرا ۱۱:۳

"ای صالحان! در خداوند شادی و وجد کنید و ای همه‌ی راست‌دلان! ترنّم نمایید." مزامیر ۱۱:۳۲

"زیرا خداوند چنین می‌گوید: به جهت یعقوب به شادمانی ترنّم نمایید و به جهت سرّامّت‌ها آواز شادی دهید. اعلام نمایید و تسبیح بخوانید و بگویید: ای خداوند قوم، خود بقیه اسرائیل را نجات بده!" ارمیا ۷:۳۱

"ای تمامی زمین! خداوند را آواز شادمانی دهید. بانگ زنید و ترنّم نمایید و بسرایید." مزامیر ۴:۹۸

"و چون نزدیک به سرازیری کوه زیتون رسید، تمامی شاگردانش شادی کرده، به آواز بلند خدا را حمد گفتن شروع کردند، به سبب همه‌ی قوّاتی که از او دیده بودند." انجیل لوقا ۳۷:۱۹

"چون این را شنیدند، آواز خود را به یک‌دل به خدا بلند کرده، گفتند، خداوند! تو آن خدا هستی که آسمان و زمین و دریا و آنچه در آنها است، آفریدی." اعمال رسولان ۲۴:۴

"^{۱۲} که به آواز بلند می‌گویند، مستحقّ است برّهی ذبح شده که قوّت و دولت و

حکمت و توانایی و اکرام و جلال و برکت را بیابد.^{۱۳} و هر مخلوقی را که در آسمان و بر زمین و زیرزمین و در دریاست و آنچه در آنها می‌باشد، شنیدم که می‌گویند، تخت‌نشین و برّه را برکت و تکریم و جلال و توانایی باد تا ابدالآباد." مکاشفه ۱۲:۵-۱۳

"و فرشته‌ای بناوخت که ناگاه صداهاى بلند در آسمان واقع شد که می‌گفتند، سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد و تا ابدالآباد حکمرانی خواهد کرد."

مکاشفه ۱۵:۱۱

"و بعد از آن شنیدم چون آوازی بلند از گروهی کثیر در آسمان که می‌گفتند، هلولیاه! نجات و جلال و اکرام و قوّت از آن خدای ما است." مکاشفه ۱:۱۹

این امری بدیهی است که آسمان، مکانی پُر سر و صداست و مکانی که ایمانداران بر روی زمین پرستش می‌کردند نیز پُر سر و صدا بود. توجه کنید که چه می‌بینیم:

۱. آنها آواز بلند سر دادند.
۲. آنها به آواز بلند شادمانی کردند.
۳. آنها به آواز بلند خدا را حمد گفتند.
۴. آنها آواز خود را به خدا در دعا بلند کردند.
۵. آنها در آسمان آواز بلند پرستش سر دادند و یوحنا با آنها همراه شد.
۶. آنها برای کارهای خدا بر روی زمین آواز شادمانی سر دادند.

اما بسیاری از اوقات، ما در درجات متفاوت کلیسای پنطیکاستی می‌بینیم که گاهی فضا بجای پرستش، مملو از احساسات می‌شود. و آن هم زود از بین می‌رود و اعضا چند دسته می‌شوند. اما اگر می‌توانستیم گروهی از مردم را در مکانی مملو از روح‌القدس حقیقی گردهم آوریم، یک تقدس و خلوص نیت و پرستش، مردان و زنانی که آنجا

می‌نشستند و در آگاهی خدا قرار داشتند و می‌دانستند که قدرت مطلق خدا حضور دارد و آماده است که تمام کارها را بدون ذره‌ای تردید انجام دهد، این امر حتی بر روی بی‌ایمانانی که در آن شب آنجا نشسته‌اند، تاثیر می‌گذارد. شما هرگز نمی‌توانید بدون وقوع چیزی وارد آن فضا شوید.^۸

"اما تنها یک چیز وجود دارد و آن دین عیسی مسیح است که می‌تواند ثابت کند او زنده است، نه توسط روانشناسی، نه به واسطه‌ی احساسات. ما دست می‌زنیم و فریاد می‌کشیم، مسلمانان نیز همین کار را می‌کنند، بودایی‌ها نیز همین کار را می‌کنند. مسلمانان خود را وارد حالت خلسه می‌کنند، تا آنجا که می‌توانند تکه‌ای چوب را گرفته، وارد انگشتان خود کنند و چیزی حس نکنند."^۹

ایمان ما نمی‌تواند بر اساس احساسات باشد، بلکه قویاً بر کلام خدا استوار می‌شود. احساس، نشانه‌ی ایمان راستین نیست. ایمان راستین احساسات را تولید می‌کند، اما تضمین‌کننده‌ی ایمان راستین نیست، چون مسلمانان، بودایی‌ها و غیره نیز در ادیانشان دارای احساسات هستند.

"ایمان چیست؟ آه، ایمان بسیار اشتباه تفسیر شده است. بسیاری ایمان را احساسات می‌نامند، آه، می‌پرند و فریاد می‌زنند... من به فریاد زدن باور دارم؛ من به پرستش خداوند ایمان دارم. من به عطیه صحبت به زبان‌ها و ترجمه‌ی آن ایمان دارم. من به تمام چیزهایی که کتاب مقدس می‌گوید، ایمان دارم؛ اما نمی‌توانیم فقط یک بخش از

^۸ بایبید این را بر اساس نظمی که در آسمان داریم، تقسیم بندی کنیم. پیش از جلسه، یک سکوت مقدسی وجود دارد، صحبت نکردن با یکدیگر، در عوض دعا کردن و کتاب مقدس خواندن در سکوت. آنگاه پرستش آغاز می‌شود و حالا زمان فریاد، رقص، دست زدن و شادمانی کردن است. هر چیزی جا و نظم خود را دارد.
۵۶-۰۱۲۹ ماوراءالطبیعه، برادر ویلیام ماریون برانهام
^۹ ۵۷-۰۱۰۶، پوهه پیری، ویلیام ماریون برانهام

حقیقت را انتخاب کنیم. می بینید؟ بخشنده را دریابید، عطیه، خود خواهد آمد." ^{۱۰}

"ارزش یک گیاه خاردار و بی ثمر به اندازه‌ی دیگر گیاهان هم نوع خود است. من برخاستن مردم بی‌خدا را دیده‌ام که فریاد زده و به زبان‌ها سخن می‌گویند، از جمجمه‌ی انسان خون می‌نوشند و شیطان را احظار می‌کنند. می‌بینید؟ بنابراین شما... شور و احساسات آنها را فراموش کنید. قلب شما است که در کلام است و آن مسیح است. آمده و آشکار شدن او را تماشا کنید، همان‌طور که مانند هر بذر دیگری ثمر می‌دهد و خود را برای عصری که در آن است، اعلام می‌کند." ^{۱۱}

از این آیات و نقل قول‌ها بسیار روشن است که ایمان ما نمی‌تواند بر روی احساسات استوار شود. ایمان باید آرامگاه بیابد و آن آرامگاه کلام خداست. و زمانی که ما به کلام خدا ایمان داریم، زندگی ما تغییر کرده است. در آن زمان ما هیجان زده شده و به خاطر آن مملو از احساس می‌شویم. به اشخاصی فکر کنید که به مسابقات ورزشی می‌روند. زمانی که اتفاق شگفت‌انگیزی رخ می‌دهد، آنها فریاد می‌زنند. آنها تیمشان را برای پیروزی تشویق می‌کنند. زمانی که یکی از بازیکنان تیمشان مصدوم می‌شود، آنها گریه می‌کنند. آنها در این تشویق دست زده و فریاد می‌زنند. بین دو نیمه، با موسیقی رقص و پایکوبی می‌کنند. آنها کاملاً وارد جو بازی می‌شوند. زمانی که یک مسیحی وارد روح پرستش و شادمانی می‌شود، چه می‌کند؟ او فریاد می‌زند، دست زده و پایکوبی می‌کند، می‌رقصد و گریه می‌کند. حال به آنچه برادر برانهام می‌گوید، توجه کنید:

"به یک مسابقه‌ی ورزشی می‌روید، کسی امتیاز می‌گیرد و یا یک حرکت تکنیکی انجام می‌دهد. شما نشست‌اید و بی‌تفاوت نگاه می‌کنید. می‌گویید: "خوب، فکر

^{۱۰} ۵۷-۱۲۱۲، درب یک درب، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۱۱} ۶۵-۱۲۰۴، ربودگی، برادر ویلیام ماریون برانهام

کنم خیلی بد نباشد." اگر مثل همه تکان نخورید و فریاد نزنید، نشان می‌دهید که خیلی برایتان تفاوتی ندارد و روح آن بازی بر شما تأثیری نداشته است. ولی اگر شروع به فریاد زدن کنید و بگویید: "هورا امتیاز گرفتیم..." و اگر کلاه یک نفر را هم از سرش بردارید و به این شکل پرت کنید، هیچ کس اعتراضی نخواهد نمود، چون هر دو شما در آن روح قرار دارید.

بعد وقتی در کلیسا هستید و در روح می‌شوید، بلند می‌شوید، فریاد می‌زنید: "جلال بر خدا، هلولیاه، جلال بر خدا!" یک نفر برمی‌گردد و می‌گوید: "دین خروش!" می‌خواهم از شما یک سؤال بپرسم؟ چون ما این کارها را انجام می‌دهیم دین خروش هستیم، پس آن غیر تندروهای غیر مقدس چه هستند؟ ترجیح می‌دهم یک دین خروش باشم، تا یکی از آنها. شما چطور؟

او در روح بود. او در روح شد و سپس این امور واقع شد و بعد زمانی که در آنجا بود، صدای یک کرنا را شنید.

شاید او در حال رقصیدن بوده، جست و خیز کرده و در تمام جزیره می‌دویده، در هر صورت لذت می‌برده، چون در روح بود. شاید به نظر شما این یک توهین به مقدسات باشد، ولی منظور من این نیست. خوب، شاید او این کار را می‌کرده است. اعتقاد دارم که در روح لذت می‌برده، چون این دقیقاً مثل اتفاقی است که وقتی اولین بار روح بر شاگردان نازل شد، برایشان رخ داد. وقتی روح القدس بر ایشان ریخت.^{۱۲}

من تمام عطایای خوب و کامل را از خدا می‌خواهم. من می‌خواهم حضور روحش را بر خود حس کنم، می‌خواهم او را در راستی بشناسم، می‌خواهم آشکار شدن او را در عطایا ببینم و می‌خواهم در سرسپردگی کامل به او قدم بردارم، با ایمان زندگی کرده و قدم بردارم، می‌خواهم او را با فریادهای شادمانی و رقص پرستش کنم. من نمی‌خواهم به

^{۱۲} ۱۲۰۴E-۶۴، رویای پطمس، برادر ویلیام ماریون برانهام

هیچ وجه با جلوگیری از بروز احساساتم مانع او شوم و با این حال می‌دانم که آرامگاه ایمان من بر روی احساسات نیست، بلکه باید در کلام خدا، آرامی یابد.

با تشکر از عضویت شما در «خدمت حقیقت حاضر»، که در حال انجام خدمات بشارتی در خاورمیانه می‌باشد. هدف ما موعظه‌ی پیغام زمان آخر، در هر مکانی است که خداوند ما را فرامی‌خواند. دعاها و حمایت شما، ما را قادر به انجام این امر خواهد ساخت. شما می‌توانید به سایت peygham.net رفته و خدمات در حال پیشرفت ما را حمایت کنید، یا به این آدرس برای ما نامه بنویسید:

Present Truth Ministries

P. O. Box: ۳۴

Hopkins, MN ۵۵۳۴۳